

---

## اقتصاد به زبان خودمان

چرا نباید به حرف اقتصاددانان اعتماد کرد

۵. پیچیدگی نظام سرمایه‌داری و

نظام سرمایه‌داری در بوته‌ی نقد

---

جیم استنفورد

ترجمه‌ی پیام یزدانی



نشر پژوهاک

## فهرست

- ۷..... پیچیدگی نظام سرمایه‌داری
- ۹..... فصل یکم: توسعه‌یافتگی (و غیر آن)
- ۹..... بزرگ‌ترین نابرابری‌ها
- ۱۱..... ماهیت توسعه‌یافتگی
- ۱۴..... توسعه، توسعه‌نایافتگی و کم‌توسعه‌یافتگی
- ۱۸..... موفقیت‌ها و شکست‌های اخیر در توسعه
- ۲۲..... مسائل درهم‌آمیخته: اقتصاد ساختار صنعتی
- ۲۵..... فصل دوم: کامل شدن چرخه‌ی بزرگ
- ۲۵..... نظام کامل
- ۲۶..... درآمد و خرج‌کرد
- ۳۱..... مازاد و کسری
- ۳۳..... تزریق‌ها و نشستی‌ها
- ۳۶..... جمع‌بندی: نظامی پیچیده، انعطاف‌پذیر، اما شکننده
- ۳۹..... فصل سوم: فرازونشیب‌های سرمایه‌داری
- ۳۹..... چرخ‌وفلک بی‌پایان
- ۴۱..... کساد چگونه آغاز می‌شود
- ۴۴..... علل چرخه‌های اقتصادی
- ۴۹..... از میان بردن (و جلوگیری از) کساد
- ۵۲..... موج‌های بلند
- ۵۷..... نظام سرمایه‌داری در بوته‌ی نقد
- ۵۹..... فصل چهارم: ارزیابی نظام سرمایه‌داری
- ۵۹..... «کارنامه‌ی نظام سرمایه‌داری»
- ۶۴..... بی‌ثباتی درونی
- ۶۹..... انتظارات بی‌خود نداشته باشید

- فصل پنجم: اصلاح نظام سرمایه‌داری ..... ۷۱
- در چه مواردی امکان اصلاح وجود دارد؟ ..... ۷۱
- فهرست اقدامات اصلاحی ..... ۷۴
- پرداخت صورت حساب ..... ۷۶
- چشم‌انداز: اقتصاد پایدار و سرمایه‌گذاری بالا ..... ۷۸
- فصل ششم: جایگزینی برای نظام سرمایه‌داری ..... ۸۷
- سوسیالیسم چیست؟ چرا سوسیالیسم؟ ..... ۸۷
- سوسیالیسم در عمل: پس چی شد؟ ..... ۹۰
- ابشرکت‌ها: سوسیالیست‌های یواشکی؟ ..... ۹۳
- نظام سرمایه‌داری و طبیعت بشر ..... ۹۷
- در نظر داشتن همه‌ی گزینه‌های ممکن ..... ۱۰۰
- نتیجه‌گیری ..... ۱۰۳
- چند نکته‌ی مهم درباره‌ی اقتصاد ..... ۱۰۳

## فصل یکم

### توسعه یافتگی (و غیر آن)

#### بزرگ‌ترین نابرابری‌ها

بزرگ‌ترین نابرابری اقتصادی در عصر حاضر میان کشورهای فقیر و ثروتمند است. این تفاوت عظیم را شکاف شمال - جنوب می‌نامند - چون بیش‌تر کشورهای ثروتمند در نیمکره‌ی شمالی زمین قرار دارند و بسیاری از کشورهای فقیر در نیمکره‌ی جنوبی. اما چنین مرزی جغرافیایی نیست، بلکه بر مبنای وضعیت اقتصادی شکل گرفته است. در خیلی از کشورهای مرفه شمال هم مناطقی هست که فقر و بهره‌کشی در آن‌ها بیش‌تر مثل وضعیت معمول در جنوب است تا کشوری پیشرفته. در کشورهای فقیر هم افراد ثروتمند و صاحب قدرتی هستند که زندگی ایشان در راحتی و رفاه دست کمی از سرمایه‌داران شمال ندارد.

بیش از یک سوم مردم جهان به لحاظ اقتصادی در وضعیتی زندگی می‌کنند که جز مشقت بار صفت دیگری نمی‌توان به آن داد. بانک جهانی تخمین زده که یک میلیارد نفر دچار «فقر شدید» هستند و با درآمدی کم‌تر از یک دلار در روز گذران می‌کنند. ۱/۵ میلیارد نفر هم در «فقر نسبی» هستند و درآمدشان تنها یک تا دو دلار در روز است. با این حساب حدود چهل درصد مردم جهان ناگزیرند با درآمد سالیانه‌ای روزگار بگذرانند که کم‌تر است از یک ساعت درآمد مدیران شرکت‌های چندملیتی. و این چهل درصد روی هم رفته کم‌تر از دو درصد کل تولید ناخالص جهانی را مصرف می‌کنند (یا یک دوازدهم سهم «منصفانه» شان). تخمین می‌زنند که ۸۰۰ میلیون نفر در جهان دچار سوء تغذیه‌اند و ۱/۱ میلیارد نفر به آب سالم دسترسی ندارند.

آفریقایی نصب‌کند، حتماً امکان تأمین غذا و داروهای ساده برای آن دهکده — و همه جای دنیا — را هم دارد.

پس مشکل کمبود نیست؛ مسئله‌ی قدرت است: چه کسانی این قدرت را دارند (هم قدرت سیاسی هم قدرت اقتصادی) که منابع تولید را به سمت چیزهایی سوق دهند که مطلوب آن‌هاست (از صنعت مد گرفته تا بازی‌های ویدیویی یا داروهای برای رفع اختلالات نغوظ)؟ و چه کسانی از چنین قدرتی بی‌بهره‌اند؟ اینکه عرصه‌ی این نابرابری بازاری است جهانی و به اصطلاح «بی‌طرف»، نباید این واقعیت را از نظر پنهان کند که نابرابری همچنان امری است مربوط به قدرت.

### ماهیت توسعه‌یافتگی

کشورهای فقیر برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی موانع زیادی پیش رو دارند. فرایند چنین رشدی فقط مستلزم بالا بردن میزان تولید ناخالص داخلی نیست (هرچند بخش بزرگی از آن است). به منظور رشد اقتصادی، تغییرات کیفی و ساختاری زیادی هم باید اتفاق بیفتد؛ از جمله:

- انباشت سرمایه: اقتصادی که به معنای کلی از «ابزارها» ی بیش‌تری استفاده کند مولدتر است و قابلیت تولید کالاها و خدمات بیش‌تری را دارد. میزان افزایش انباشت سرمایه‌ی فیزیکی یکی از شاخص‌های بسیار مهم توسعه است و کشورهای در حال توسعه باید بتوانند به ضرباهنگ سرمایه‌گذاری واقعی شتاب بدهند.
- سرمایه‌گذاری در دانش، مهارت و سلامت: لازمه‌ی اقتصاد مولد کارگران و مدیران ماهری است که از انباشت سرمایه‌ی فیزیکی بهترین بهره را بگیرند. سرمایه‌گذاری‌های عمده در امر آموزش — از همان اوان کودکی گرفته تا پس از دوران تحصیلات رسمی — لازمه‌ی توسعه است. در کشورهای فقیر بهبود وضعیت بهداشتی

به سبب چنین محرومیت‌هایی، زندگی در کشورهای جنوب هم مشقت بار است هم کوتاه. هر سال دست‌کم ۱۰ میلیون کودک زیر پنج سال (و میلیون‌ها بزرگسال) بر اثر سوء‌تغذیه و بیماری‌هایی که کاملاً قابل پیشگیری است می‌میرند. نکته‌ی تکان‌دهنده این است که برنامه‌های سازمان ملل نشان داده که بیش‌تر این مشکلات را به واسطه‌ی تغییرات نه چندان عمده در نحوه‌ی اختصاص منابع می‌توان رفع کرد. مثلاً بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶، اجرای پروژه‌ای به نام «Measles Initiative» به طرز خیره‌کننده‌ای باعث کاهش ۷۰ درصدی نرخ مرگ و میر بر اثر سرخک در کل جهان شد و تنها با صرف ۳۰۰ میلیون دلار، سالانه ۵۰۰۰۰۰ نفر (اغلب کودکان) را از مرگ نجات داد. دوا بر سازمان ملل تخمین زده‌اند که تنها با صد میلیارد دلار (۲/۰۰ درصد از GDP جهان) می‌توان آب آشامیدنی، غذا و بهداشت ابتدایی کل جمعیت جهان را تأمین کرد.

۲۲۵ نفر در برابر ۳۸۵ میلیون

«براساس تخمین‌های سردستی من، ۲۲۵ نفر از ثروتمندترین افراد جهان روی هم‌رفته سالانه ۵۰ میلیارد دلار درآمد دارند که رقمی است بیش از درآمد سالانه‌ی کل جمعیت دوازده کشور فقیر جهان، یا ۷ درصد کل جمعیت جهان (۳۸۵ میلیون نفر).»

پارتا داسگوپتا، اقتصاددان هندی‌الصل انگلیسی (۲۰۰۱)

بنابراین پیدا است که این تنگدستی شدید و مستأصل‌کننده‌ی حاکم در بخش اعظم کشورهای جنوب در واقع ناشی از کمبود نیست. منابع، غذا و دانش لازم برای برطرف کردن سهم بزرگی از این تنگدستی و پیشگیری از اغلب این مرگ‌های زودرس در جهان وجود دارد. وقتی اقتصاد جهانی می‌تواند ماشین‌سکه‌ای یخچال‌دار برای فروش نوشیدنی در فلان دهکده‌ی